

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

۲۵ نومبر ۲۰۱۲

## در مورد جنایتکاری صهیونیستها و دفاع از ملت فلسطین همه نیروهای مترقی جهان هم نظراند

اما "جبهه موهمی سومی ها" در کجا ایستاده اند؟

صهیونیستهای اسرائیلی که در نژادپرستی و جنایتکاری آنها حرفی نیست، به نوار غزه که بیش از یک میلیون فلسطینی در سرزمین خویش زندانی شده اند، برای نسل کشی هجوم آوردند. بمب است که بر سر مردمان فلسطین فرو می ریزد و دسته دسته آنها را به قتل می رساند. ولی وجدان امپریالیستها و خائنان و همدستان ایرانی آنها معذب نمی شود و صدایشان در نمی آید. حقوق بشری که آنها از آن دفاع می کنند، حقوق بشر گزینشی، حقوق بشر ایران تریبونالی با همدستی دادگاه کیفری جهانی است. آنها کاتالیزاتور ورود سینه خیز ارتجاع جهانی به درون جبهه نیروهای مترقی و انقلابی ایران هستند. آنها جاده صاف کن و مشاطه گر امپریالیستها و صهیونیستها در ایران و در فلسطین، در سوریه و در لیبیا و... هستند. آنها نقاشانی هستند که می خواهند خون جانباختگان آرمانپرست ایران را آلوده کرده و از نامشان برای نیات شومشان و به ضد آرمان های آنها که به خاطرشان جان دادند سوء استفاده کنند. حقوق بشری که آنها مدافع آن هستند، حقوق بشر جرج بوش و مستر پرزیدنت اوباما است. حقوق بشر آنها حقوق بشر نتانیاهو نماینده خون بر لب "دموکراتیک ترین کشور جهان" است.

در مورد جنایتکاری صهیونیستها همه نیروهای مترقی جهان هم نظرند. در مورد تبهکاری آنها که سرزمین یک ملتی را طلبکارانه و بی شرمانه اشغال کرده اند و در پی نسل کشی در فلسطین هستند، همه نیروهای مترقی و انساندوست هم نظراند، در مورد همدستی امپریالیستهای امریکا و اروپا و استرالیا و کانادا و... همه این مدعیان کذاب حمایت از حقوق بشر، در پشتیبانی بی برو برگرد از جنایات اسرائیل، همه انسانهای صمیمی و روشن بین اتفاق نظر دارند. در مورد این که ملت فلسطین حق دفاع از خود و دفاع از سرزمین ابا و اجدادی اش را دارد، همه انسانها منفق القولند، در مورد این که صهیونیستها باید گور خود را از منطقه بکنند و بروند به کشورهایی که در آن ساکن بوده اند، همه مردم جهان هم نظراند. در مورد این که هولوکاست نازی ها در مورد یهودیان را نمی شود در تاریخ با دست صهیونیستهای نازی تکرار کرد، همه نیروهای مترقی همدستانند. فلسطین سرزمین لیلا خالدهاست و نه سرزمین گلدامایر و آریل شارونها. در مورد این که اخبار انحصارات فکری امپریالیستی دروغ پخش می کنند و سیاه را سفید جلوه می دهند و از تجاوزکار جنایتکار، مظلوم می سازند و از مورد ظلم و تعدی، جنایتکار علم می کنند، همه نفرت دارند و حالت تهوع نسبت به این مدعیان دروغگوی "آزادی افکار و بیان" در

خود احساس می کنند. ولی هستند گروه هائی در جهان که از آخور امپریالیستها و صهیونیستها نشخوار می کنند و دست دراز شده آنها در نهضت‌های استقلال طلبانه و انقلابی اند. این گروه ها تئوری های صهیونیستی منصور حکمت را بازتاب داده و مبارزه ای را که در فلسطین در گرفته است، مبارزه بین "دو قطب ارتجاع جهانی" جا می زنند. البته هدف آنها در ماهیت و در عمل حمایت از اسرائیل است. هدف آنها تکفیر جنبش مقاومت مردم فلسطین در مقابل اسرائیل است. هدف آنها حفظ وضع موجود است تا سرزمینهای فلسطینی همانطور که هست در اشغال صهیونیستها باقی بماند. هدف آنها تضعیف حمایت بین المللی از جنبش مردم فلسطین است که چه بخواهند و چه نخواهند حماس را نماینده قانونی و منتخب خود می دانند. هدف آنها جنگیدن در جبهه جنگ روانی صهیونیستها و امپریالیستها برای خلع سلاح روحی نیروهای مترقی در زیر شعارهای کاذب و ارتجاعی با لفاظی "انقلابی" است. آنها تنها به ضد اسلام بنیادگرای حماس شمشیر می کشند و جنایات اسرائیل و بمباران نوار غزه و گرسنگی دادن به مردم فلسطین و تحریم اقتصادی را تأیید می کنند. آنها از حق دفاع صهیونیستها و امنیت آنها دفاع می کنند.

وقتی آنها از "دو قطب ارتجاعی" صحبت می کنند، منظورشان تنها فلسطینی ها هستند. این ایرانی های مرتجع که نقابشان در کارزار مسخره امپریالیستی ایران تریبونال افتاد و منابع مالی آنها رو شد و سر شهزاد نیوز از آخور وزارت خارجه هالند در آمد، مردم فلسطین را فرا می خوانند که در نوار غزه به ضد جنایات اسرائیلی ها مبارزه نکنند، بلکه برای این که "انقلابی" باشند خوب است مسلح شوند و در پارکابی صهیونیستها با "اسلام سیاسی" حماس بجنگند. آنها مردم فلسطین را به جنگ داخلی و برادر کشی دعوت می کنند تا خیال صهیونیستها و امپریالیستها راحت شود. البته آنها به این وضوح که ما دستشان را رو می کنیم، حرف نمی زنند. همه نیروهای ضد انقلاب و همدست صهیونیست و امپریالیست حرفهایشان دو پهلو است، زیرا از مردم می ترسند. آنها به مردم فلسطین توصیه می کنند، وقتی اسرائیلی ها به نسل کشی فلسطینی ها اقدام کردند، نیروهای "مترقی" در فلسطین باید با اسلحه خود هر دو طرف را "نابود" سازند. جنگ داخلی راه بیندازند و در نوار غزه سوسیالیسم؟! را مستقر کنند. یک تیر هوائی به صهیونیستها و یک تیر خلاص به حماسی ها.

حزب ما قصد ندارد در این چند سطر در مورد جنایات اسرائیلیها و حقانیت مبارزه فلسطینی ها صحبت کند. دیگر همه جهان واقف است که صهیونیستها در پی نسل کشی هستند و هرگز به صلح و ترک خاک فلسطین نمی اندیشند. تا فلسطین اشغال است، صلح بی معناست. صحبت از صلح در سرزمین اشغالی یعنی تسلیم و تأیید اشغال. با اشغالگر باید با زبان گلوله و موشک صحبت کرد. هدف ما در این مقاله رو کردن دست ایرانی های خود فروخته است که تشدید مبارزه مردم در سراسر جهان، دست آنها را که برای آینده ایران خطرناک هستند رو می کند. این خرابکاری از جانب پیروان منصور حکمت شروع شد و از جانب "مانوئیستها" و جریانهای نظیر سازمان اقلیت که در دو پهلو گوئی و ژورنالیسم بی محتوا به درجات عالی تکامل ارتقاء پیدا کرده اند، ادامه دارد. در این بین ولگردان سیاسی نیز که نه ماهیتشان روشن است و نه تعهدی داشته و نه مسؤولیتی در جنبش حمل می کنند و نه به کسی امروز و یا فردا پاسخگو بوده و خواهند بود و پرمدعانه "مستقل" در دامن امپریالیسم عمل می کنند، در کوچه پس کوچه های باور مردم راه افتاده اند و برای تریبونال امپریالیستی-صهیونیستی بازار گرمی می کنند و به سمت حزب کار ایران (توفان) پارس می نمایند. آیا این ولگردان سیاسی پس مانده ها و مباشران همان جریانهای سیاسی ایرانی نیستند که از در عقب وارد می شوند، زیرا خودشان جسارت موضع گیری روشن را ندارند؟ حزب ما مسایل را به شیوه مارکسیستی لنینیستی و اصولی طرح کرده و به آن پاسخ می دهد. حزب ما به صراحت روشن کرده است که دنباله روان تئوری های ارتجاعی منصور حکمت خط ارتجاعی روشنی را تعقیب می کنند که چون خط

قرمزی در تمام سیاستهای آنها به چشم می خورد. آنها در تمام عرصه های پیکار طبقاتی در جهان، از تحولات در کشورهای عربی گرفته تا عراق و افغانستان، از فلسطین گرفته تا لبنان و سوریه، از ایران گرفته تا ونزوئلا و کوبا در کنار ارتجاع جهانی، در کنار صهیونیسم و امپریالیسم قرار دارند و می خواهند در پارکابی آنها به ایران حمله نمایند و ایران را "آزاد" کنند. "مائوئیستهای ارتجاعی و مالیکولیائی" حتی اشغال ایران را تحمل می کنند و می خواهند از "فرصت مناسب" تجاوز به ایران با همدستی امپریالیستها در ایران سوسیالیسم را مستقر کنند!!! درست خوانده اید، آنها می خواهند در پارکابی امپریالیستها به ایران حمله کنند و سوسیالیسم را مستقر سازند. این تئوری ها از روی جهالت نیست از روی خیانت و همدستی با امپریالیستهاست که در تمام زمینه ها خودش را بروز می دهد. کارزار تریونال ایران تنها یکی از این گوشه هاست.

اکنون این دارو دسته ها راه افتاده اند و به توجیه تجاوز اسرائیل و آدمکشی آنها پرداخته اند، یکی به نعل و یکی به میخ می زنند. هم حماس را به خاطر پرتاب موشک های دست ساز محکوم می کنند و آنها را "پرووکاتور" جلوه می دهند که گویا مردم "غیر نظامی" را می کشند و هم بمباران جنایتکارانه اسرائیل را که مسببش را حماس جا می زنند، برای فریب افکار عمومی "محکوم" می کنند. آنها با تیرهای هوایی هر دو طرف را محکوم می کنند. تو گوئی اگر حماس موشک پرتاب نمی کرد و تسلیم می شد و اشغال سرزمینش را توسط اشغالگران یهودی می پذیرفت، اسرائیلیها خاک سرزمینهای اشغالی را ترک می کردند، مگر صهیونیستها به فلسطین برای مهمانی و مرخصی آمده اند که آنجا را ترک کنند؟ هر یهودی "غیر نظامی" که به اسرائیل می رود، آگاه است که به یک سرزمین اشغال شده می رود و می خواهد با تمام قواء از تصاحب سرزمینهای دیگری با بمب و سلاحهای کشتار جمعی و با نسل کشی دفاع کند. هر یهودی صهیونیست که به اسرائیل می رود می داند که برای جنگ و چپاول رفته است. توجیهات دینی فقط حرف مفت است. آنها را باید با قهر انقلابی بیرون کرد. نیروی "عظیم تسلیحاتی" حماس فقط همان چند موشک دست ساز بوده و بی تأثیر است. باید از موشکهای مؤثر استفاده کند، باید برای پایان دادن به اشغال سرزمینش از هر ابزاری که در دست دارد، استفاده کند. مبارزه مردم فلسطین توسط نماینده منتخبش که به مذاق عده ای خوش نمی آید، محکوم نیست، عادلانه و محق است، تجاوز صهیونیستها محکوم است. این حماس نیست که تروریست است این صهیونیستها و همه متحد آنها هستند که تروریست اند و از تروریستها دفاع می کنند. این حقه بازی روشنفکران مزدور ایرانی و امپریالیستی را ملت‌های جهان نمی پذیرند و محکوم می کنند. مردم همه سرزمینهای دنیا صرفنظر از دین و نژاد و بزرگی و یا کوچکی، صرفنظر از سطح فرهنگی و قدمت تاریخی و... حق دارند در مقابل اشغالگران و زورگویان جنایتکار به پا خیزند و آنها را در سرزمین خودشان دفن کنند، تا باشد که کسی سرزمینهای دیگران را اشغال نکند. کسانی که این حق را برای ملت‌ها به رسمیت نمی شناسند، هوادار قانون جنگل اند، هوادار تسلط استعمار و امپریالیسم اند. این عده دستشان در مورد مسأله فلسطین رو می شود. هر چه این مبارزه تشدید شود رنگ مواضع ارتجاعی و دو پهلو را که تنها در خدمت ارتجاع جهانی است، از میان می برد. تئوری "هم با این و هم با آن"، تئوری "جنگیدن در دو جبهه"، تئوری "مبارزه همزمان با دو قطب ارتجاع"، ماهیت ارتجاعی خویش را در عمل نشان می دهد. جنبش مردم ایران باید مرزهای خویش را با این خودفروختگان روشن کند تا دست جاده صاف کن های امپریالیسم در ایران رو شود و نتوانند با نقاب "چپ"، امپریالیسم و صهیونیسم را آرایش کنند و متحد مبارزه به ضد جمهوری اسلامی جا زنند. سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی باید با دست مردم ایران و در مبارزه با خودفروختگان صورت گیرد. اگر به ضد این جریان های

خودفروخته که بخشی از آنها پول اخاذی می کنند و لذا اقتناع پذیر نیستند، مبارزه نشود زمینه خودفروختگی رشد می کند و به تدریج خودفروختگی مجلسی می گردد.

مبارزه مردم فلسطین که از جانب مردم دنیا مورد تأیید است و کرسی ریاست جمهوری غصبی محمود عباس خودفروش را می رابد، برای همه ایرانیان هوادار امپریالیسم و صهیونیسم مشکل آفرین می شود که با کلی گوئی و عبارتپردازیهای پوچ از زیر بار تحلیل مشخص از شرایط مشخص شانه خالی کنند و به نفع صهیونیستها موضع بگیرند. این ایرانیها هوادار مبارزه موهومی فلسطین، خلق موهومی فلسطین هستند که در جبهه سوم موهومی فلسطین، به ضد اسرائیل و "اسلام سیاسی" واقعی می رزند. تا ابد نمی شود مردم فریبی و خودفربیی کرد.

بر گرفته از توفان شماره ۱۵۳ آذر ماه ۱۳۹۱، دسمبر سال ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیک (ایمیل).